

حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال از ظهور اسلام تا حمله مغول

مرضیه اسدی اول*

عبدالرحیم قنوات**، علی غفرانی***

چکیده

حوادث طبیعی به مجموعه حوادثی گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارند و معمولاً غیر قابل پیش‌بینی‌اند. این‌گونه پدیده‌های طبیعی از آن‌جا که آثار منفی بر زندگی انسان دارند، به عنوان بلایای طبیعی معرفی شده‌اند. بنا به گزارش‌های تاریخی، در سده اول تا هفتم هجری قمری حوادث طبیعی زیادی در ایالت جبال که یکی از ایالت‌های بزرگ ایران بوده، روی داده است. در این گزارش‌ها که بیشتر جنبه توصیفی دارند، حجم انبوهی از بلایا به همراه شدت آسیب‌های وارده و کشتار فراوان مردم ذکر شده و جنبه تحلیلی آن‌ها بسیار ضعیف است. لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که حوادث طبیعی چه تأثیری بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایالت جبال در دوره مورد نظر داشته است. در نهایت از مجموع تحلیل‌ها، نتایجی به دست آمده که در متن حاضر در قالب سه دسته پیامدهای اجتماعی - فرهنگی، پیامدهای اقتصادی و پیامدهای سیاسی طبقه‌بندی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جبال، حوادث طبیعی، زلزله، سیل، قحط، بیماری‌های واگیردار.

* کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، asadi.m4540@gmail.com
** دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی (نویسنده مسئول)، ghanavat@um.ac.ir
*** دانشیار گروه معارف، دانشگاه بوعلی سینا همدان، A.ghofrani@basu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲

۱. مقدمه

بلایای طبیعی را از جهت مدت زمان وقوع آن‌ها می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. بلایای طبیعی با عملکرد ناگهانی مانند زلزله، سیل، برف و سرما، باد و طوفان، رعد و برق و آفت ملخ. ۲. بلایای طبیعی با عملکرد تدریجی مانند قحط، خشکسالی و بیماری‌های واگیردار وبا و طاعون.

ایالت جبال به عنوان یکی از ایالت‌های بزرگ ایران قدیم به سبب موقعیت کوهستانی و نزدیکی برخی نواحی آن از جمله ری، همدان و دینور به کمربند زلزله‌خیز آلپ-همیالایا، حوادث طبیعی زیادی به خود دیده است. شهرهای بزرگ این ایالت شامل قمریسین (کرمانشاه امروزی)، دینور، همدان، ری، اصفهان، قزوین و زنجان می‌شد و هر کدام از این شهرهای بزرگ، نواحی و حوزه‌های کوچکتري را در برمی‌گرفت (حموی بغدادی، ۱۹۹۵: ج ۹۹/۲). در مجموع، ناحیه کوهستانی پهناوری که یونانیان آن را مدیا می‌گفتند و از غرب به جلگه‌های بین‌النهرین، از شرق به کویر بزرگ ایران، از شمال به سرزمین دیلم، از جنوب به فارس و خوزستان محدود بود، نزد جغرافی‌نویسان مسلمان ایالت جبال نام داشت (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۰۰).

مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان حوادث طبیعی زیادی در ایالت جبال در این دوره ثبت کرده‌اند که بیشترین گزارش‌های موجود، به شیوه توصیفی ارائه شده است. محور این پژوهش کاری فراتر از گردآوری و توصیف گزارش بلایای طبیعی است و آن استخراج آثار و نتایجی می‌باشد که این بلایا به همراه داشتند. کمبود اطلاعات در منابع، نبود اطلاعات دقیق و ذکر کلیات حوادث، سخت‌ترین بخش کار برای انجام این پژوهش بوده است. لذا با همه این‌ها، سعی شده است به روش تاریخی، از لابلائی گزارش‌های موجود، پیامدهای آن‌ها استنباط شوند.

۲. ضرورت تحقیق

یکی از ضرورت‌های اساسی انجام این پژوهش، ارتباط تنگاتنگی است که بین زندگی مردم و بلایای طبیعی وجود دارد. با توجه به این‌که دیدگاه مورخان در گذشته بیشتر به حوادث سیاسی و نظامی معطوف بوده، این مقوله از تاریخ‌های اجتماعی یعنی بلایای طبیعی و تاثیر آن‌ها بر زندگی مردم نادیده گرفته شده است. لذا به سبب اهمیت موضوع و برای روشن شدن گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران، انجام آن ضروری می‌باشد.

۳. اهداف طرح، سؤالات و فرضیه تحقیق

حوادث و بلایای طبیعی یکی از پدیده‌های مهم تاریخ اجتماعی ایران است که در گذر زمان بارها اتفاق افتاده و پیامدهای گوناگون به دنبال داشته است. لذا برای تحلیل اوضاع اجتماعی و اقتصادی مردم، پژوهش حاضر تلاش می‌کند این جنبه از تاریخ اجتماعی را با طرح این پرسش‌ها که: حوادث طبیعی ایالت جبال در این دوره چه بوده؟ و چه تأثیری بر اوضاع اجتماعی - اقتصادی مردم داشته است؟ مورد بحث و بررسی قرار دهد. فرضیه‌ای که در این باره مطرح می‌شود این است که حوادث طبیعی زیادی از قبیل زلزله، سیل، برف و سرما، طوفان، رعدوبرق، بیماری‌های واگیردار، خشکسالی و قحط به همراه آثاری مانند کاهش جمعیت، افزایش قیمت‌ها، بسته شدن راه‌ها، رواج مفاسد اجتماعی و غیره در ایالت جبال اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد که قحط و خشکسالی‌های مکرر نیز با شیوع بیماری‌های واگیردار و مرگ‌ومیر زیاد افراد به‌ویژه زنان و کودکان همراه بوده است.

۴. پیشینه تحقیق

علی‌رغم اهمیت موضوع و تأثیری که بلایای طبیعی در زندگی مردم دارد منابع تاریخی و حتی پژوهش‌های جدید کمتر به آن توجه کرده‌اند. با وجود این، رویکرد برخی علاقمندان به پژوهش این جنبه از تاریخ اجتماعی باعث شده که آثاری در این زمینه به نگارش درآید از جمله ۱. پایان‌نامه‌ای تحت عنوان حوادث طبیعی در جهان اسلام و پیامدهای آن از آغاز تا حمله مغول که محمدرضا شمس‌دولت‌آبادی آن را در سال ۱۳۷۳ش در دانشگاه تهران نوشته است. در این اثر به پیامدهای حوادث طبیعی در کل جهان اسلام مختصر اشاره شده است. ۲. کتابی تحت عنوان *الکوارث الطبيعية فی بلادالعراق و فارس فی العصرین البویهی و السلجوقی* که طه‌حسین عبدالعال آن را در پنج فصل تنظیم کرده و تمرکز عمده آن بر عراق عرب و ایالت فارس بوده است. ۳. مقاله حوادث و بلایای طبیعی در قرون میانه تاریخ ایران نوشته امام‌علی شعبانی و حمیده مهرعلی‌تبار که شایع‌ترین حوادث طبیعی ایران به همراه پیامدهای آن‌ها را مطرح کرده است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت این پژوهش نخستین تحقیق مفصل در مورد ایالت جبال است که با رویکرد محققانه، تمام حوادث طبیعی آن را به همراه پیامدهای اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در دوره زمانی خاص ذکر کرده است.

۴ حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول

۵. روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، ترکیبی از توصیف و تبیین داده‌هاست. لذا ابتدا با جستجو در منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی، پزشکی و مخاطرات طبیعی و تکیه بر گزارش‌های موجود در این آثار، بلایای طبیعی ایالت جبال در برهه زمانی مورد نظر، گردآوری و در قالب جدول و نمودار ارائه شده‌اند سپس جهت استنباط نتایجی که به جا می‌گذاشتند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۶. مروری بر حوادث طبیعی ایالت جبال در هفت قرن نخست اسلام

۱.۶ حوادث طبیعی با عملکرد ناگهانی

جدول ۱-۶-۱. زلزله‌ها

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۳۶	ری	کشته شدن ۴۵ هزار نفر	حسینی رازی، ۱۳۱۳: ۱۹۵-۱۹۶
۲	۲۳۹	کاشان	خرابی‌های فراوان و کشته شدن ۴۵ هزار نفر	سبطین جوزی، ۱۳۷۰: ج ۱۳۷/۱
۳	۲۴۱	ری	تخریب خانه‌ها، کشته شدن جمعیت زیاد و تداوم به مدت ۴۰ روز	ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۸۰/۷ قوامی رازی، ۱۳۴۴: ۲
۴	۲۴۹	ری	ویرانی خانه‌ها و کشته شدن جمعیت زیاد	طبری، ۱۳۸۷: ج ۲۶۵/۹ سیوطی، ۱۳۹۱: ۲۸
۵	۳۰۰	دینور	فرو ریختن کوه	ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۳۲/۱۳ سیوطی، ۱۳۹۱: ۳۱
۶	۳۴۵	همدان	ویرانی ساختمان‌ها، کشته شدن جمعیت زیاد، تداوم پس‌لرزه‌ها به مدت یک‌سال	ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵۱۸/۸ سیوطی، ۱۳۹۱: ۲۹ معظمی گوردزی، ۱۳۵۱: ۳۴۷
۷	۳۴۶	ری	ویرانی زیاد، کشتار فراوان مردم و تداوم به مدت ۴۰ روز	مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۲۰۶/۶ سیوطی، ۱۳۹۱: ۲۸ جابری انصاری، ۱۳۲۲: ۲۷۴
۸	۳۴۷	حلوان	کشته شدن جمعیت زیاد، ویرانی دژ و قلعه‌ها	مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۲۰۶/۶ جابری انصاری، ۱۳۲۲: ۸۲
۹	۳۹۸	دینور	ویرانی شهر و کشته شدن ۱۶ هزار نفر	حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۸۴

مرضیه اسدی اول و دیگران ۵

سیوطی، ۱۳۹۱: ۳۱				
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۰/۱۶ سیوطی، ۱۳۹۱: ۳۳ معظمی گودرزی، ۱۳۵۱: ۳۴۷	از کار انداختن آسیاب‌ها، ویرانی خانه‌ها و تداوم پس‌لرزه‌ها به مدت ۲۸ روز	همدان	۴۵۰	۱۰
شاردن ^۱ ، ۱۳۷۲: ج ۵۰۹/۲	فرو ریختن دیوارهای شهر به همراه یک سوم ساختمان‌ها	قزوین	۴۶۰	۱۱
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۲۷۰/۱۶	لرزش زمین به مدت هفت روز، تخریب منازل و بناهای تاریخی و کشتار فراوان	همدان	۴۸۰	۱۲
رافعی قزوینی، ۱۴۸۰: ج ۵۰/۱ زهرایی و وطنی اسکویی، ۱۳۸۳: ۲۱ گلریز، ۱۳۷۷: ۵۲۲	قدرتی حدود ۶/۵ ریشتر، خرابی بسیار و تخریب بناها	قزوین	۵۱۳	۱۳
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۳/۱۸ سبطین جوزی، ۱۳۷۰: ج ۱۶۹/۱	شدت کم و ایجاد ترس و وحشت در مردم	همدان	۵۳۸	۱۴
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۷۲/۱۸	تخریب بناهای تاریخی، کشته شدن جمعیت زیاد	حلوان	۵۴۴	۱۵
شاردن ^۲ ، ۱۳۷۲: ج ۵۱۰/۲	فرو ریختن برج و باروی شهر	قزوین	۵۶۲	۱۶
ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۴۳۳/۱۱	تخریب خانه‌ها و کشته شدن جمعیت زیاد	ری	۵۷۱	۱۷
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۲۳۱/۸	آسیب دیدن شهر	ری	۵۷۲	۱۸
نیشابوری، ۱۳۳۲: ۸۹ لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۸۳	آسیب دیدن زیاد شهر	همدان	۵۸۷	۱۹

جدول ۶-۱-۲. سیل‌ها

منابع	آثار و نتایج	مکان	سال	ردیف
قمی، ۱۳۶۱: ۳۶	از بین بردن کوشک و سراهای بزرگان شهر	قم	۲۹۲	۱
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۳۲/۱۳	غرق شدن تعدادی از روستاها	دینور	۳۰۰	۲
حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷	فرا گرفتن باروی شهر و سوراخ کردن قسمتی از آن، ایجاد ترس و وحشت در مردم	اصفهان	۳۱۰	۳
حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۸	طغیان رودخانه زاینده رود	اصفهان	۳۴۴	۴
ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۷۳/۱۶	مجروح شدن افراد	شهرزور	۴۵۴	۵

۶ حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول

جدول ۶-۱-۳. باد و طوفان

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۳۴	همدان	تداوم به مدت ۲۰ روز و ایجاد رعب و وحشت	ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱/۲۰۹
۲	۲۹۱	اصفهان	از بین بردن محصولات کشاورزی	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷
۳	۵۱۳	ساوه	ایجاد گرد و غبار و به هم ریختن شهر	ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱/۱۷۲ سبط بن جوزی، ۱۳۷۰: ج ۱/۷۷
۴	۵۶۱	ساوه	تخریب بناها، ایجاد ترس و وحشت در مردم و به هم ریختن شهر	ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱/۱۷۲ راوندی، ۱۳۶۴: ۲۹۱

جدول ۶-۱-۴. برف و سرما

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۳۳۰	اصفهان	خسارت به شکوفه های درختان	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷
۲	۳۳۲	اصفهان	سرمای شدید، خسارت دیدن محصولات کشاورزی	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷
۳	۵۲۲	اصفهان	خانه نشین شدن مردم	عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۹/۷۰

جدول ۶-۱-۵. رعد و برق

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۳۴۵	قرمیسین	شکاف برداشتن دیوارهای قصر شیرین	ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۸/۵۱۸
۲	۴۷۷	کاشان	کشته و مجروح شدن کودکان	اسفزاری، ۱۳۵۶: ۳۴

جدول ۶-۱-۶. آفت ملخ

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۳۴۴	اصفهان	آسیب رساندن به محصولات	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۸
۲	۳۴۷	حلوان	آسیب دیدن غلات و درختان میوه	ابن تغری بردی، بی تا: ج ۳/۳۱۹ سیوطی، ۱۴۲۵: ج ۱/۲۸۷

۲.۶ حوادث طبیعی با عملکرد تدریجی

جدول ۶-۲-۱. قحط

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۸۱	ری	مرگ‌ومیر بسیار و خوردن گوشت افراد	ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۳۹/۱۲
۲	۴۳۸	قزوین	افزایش قیمت‌ها	اصطخری، بی تا: ۱۱۸ قبادیانی، ۱۳۸۱: ۵
۳	۴۴۲	اصفهان	افزایش قیمت و غارت کردن مسجد	قبادیانی، ۱۳۸۱: ۱۶۵
۴	۴۹۴	ری	روی آوردن مردم به خوردن حیوانات	ابن جوزی، ۱۴۲۸: ۲۸۳
۵	۵۳۲	اصفهان	افزایش قیمت، شیوع وبا و مرگ‌ومیر زیاد	بنداری، ۱۳۵۶: ۲۱۸ راوندی، ۱۳۶۴: ۲۲۹
۶	۵۷۱	اصفهان	شدت زیاد و سخت شدن زندگی	راوندی، ۱۳۶۴: ۳۹

جدول ۶-۲-۲. وبا (Cholera)

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۲۵۸	حلوان	شدت زیاد و کشته شدن ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر در هر روز	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۵-۱۴۶
۲	۳۳۴	اصفهان	کشته شدن جمعیت غیر قابل شمارش	قرطبی، ۱۳۸۷: ج ۳۸۰/۱۱ مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱۹۹/۶
۳	۳۴۴	شهرزور	مرگ‌ومیر فراوان و افزایش قیمت	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۸ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۹۸/۱۴
۴	۴۳۹		کشته شدن افراد بسیار	ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵۴۵/۹

جدول ۶-۲-۳. خشکسالی

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۱۹۴	ری	افزایش قیمت و کمبود مواد غذایی	طبری، ۱۳۸۷: ج ۳۸۶/۸
۲	۲۸۱	ری	افزایش قیمت‌ها	ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۳۹/۱۲
۳	۳۴۰	اصفهان	شیوع قحطی و روی آوردن مردم به خوردن حیوانات	مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱۷۴-۱۷۳/۶

۸. حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول

جدول ۶-۲-۴. طاعون (Plague)

ردیف	سال	مکان	آثار و نتایج	منابع
۱	۳۲۴	اصفهان	کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر	حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷

۷. پیامدهای اجتماعی - فرهنگی

۱.۷ مرگ و میر زیاد و کاهش جمعیت

یکی از بارزترین پیامدهای اجتماعی حوادث طبیعی، مرگ و میر زیاد و در نتیجه کاهش جمعیت بوده است. میزان تلفات انسانی حوادث طبیعی به یک اندازه و یک شکل نبود. گاه مرگ و میرها مستقیماً ناشی از خود بلایا بود، اما بعضی مواقع غیرمستقیم و بر اثر نتایج بلایا حاصل می شد. منابع تاریخی به دنبال وقوع بیشتر بلایای طبیعی از تلفات انسانی آن گزارش داده اند و می توان گفت نخستین خبری که پس از وقوع حوادث منتشر می شد، آمار قربانیان بود که نشان از بزرگی حادثه داشت. به عنوان نمونه در شهر ری در سال ۲۴۱ق زلزله شدید روی داد که به مدت ۴۰ روز ادامه داشت. این زلزله خانه ها را ویران کرد و مردم بسیاری در زیر آوار کشته شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۷۰/۸). قوامی رازی از شاعران سده ششم هجری این حادثه را این گونه وصف کرده است:

«زان زلزله که بود گه یحیی بن معاذ^۳ ری شد خراب اگر چه تو را اعتبار نیست
بی جان شدند سیصد و پنجه هزار خلق معلوم کن چو قول منت استوار نیست»

(قوامی رازی، ۱۳۴۴: ۲)

همین طور زلزله سال ۳۴۶ق که با قدرت زیاد در ری و نواحی آن روی داد. سیوطی در وصف این حادثه آورده است «پس لرزه های این زلزله چهل روز متوالی ادامه داشت، سپس آرام شد، اما دوباره زمین شروع به لرزیدن کرد، قسمت عظیمی از شهر بر اثر زلزله ویران و جمعیت زیادی کشته شدند. شهر طالقان و حدود صد و پنجاه روستا از نواحی ری در زمین فرو رفتند، کوهی در ری شکاف برداشت، زمین دچار آتش گرفتگی شدیدی شد و آب های متعفن و دودهای سیاه رنگی از آن به آسمان برخاست» (سیوطی، ۱۳۹۱: ۳۰).

کشته شدن جمعیت زیاد در بلایای طبیعی مختص به زلزله نبود؛ در طاعون سال ۳۲۴ق اصفهان، بیش از ۲۰۰ هزار نفر مردند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۵۷/۱۳؛ حمزه اصفهانی، بی تا: ۱۴۷). همین طور در نتیجه خشکسالی و وبای ایالت جبال به ویژه شهر اصفهان در

سال ۴۲۳ق، به فاصله چند روز ۴۰ هزار نفر مردند و خانه‌های مردم تبدیل به ماتمکده شد (ابن اثیر، ۳۸۵: ج ۴۲۶/۹؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷: ج ۳۳/۱).

۲.۷ مهاجرت

از دیگر پیامدهای حوادث طبیعی مسئله مهاجرت بود که در کاهش جمعیت شهرها و روستاها نقش داشت. بدین‌گونه که مردم به دنبال وقوع حوادث، شهر و دیار خود را ترک می‌کردند و در مکانی دیگر مستقر می‌شدند که این علاوه بر خالی شدن شهر و روستا از سکنه، در ویرانی پهنه آن به مرور زمان مؤثر بوده است. به عنوان نمونه قحط سال ۵۳۲هـ ق اصفهان به حدی شدید بود که مردم زیادی به وبا مبتلا شدند و بر اثر قحط و وبا جان خود را از دست دادند (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۱۸)، افرادی که زنده ماندند شهر را ترک و در مکان‌هایی خارج از شهر بناهایی را برای سکونت ساختند (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۲۹). اشاره شده که خیلی از افراد پس از استقرار در مکان‌های جدید، میل بازگشت نداشتند (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۲۹). عمادالدین اصفهانی خود و تنی چند از بازماندگان را از افراد ساکن در این مکان‌ها می‌داند (عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۳۳-۳۲/۱).

جمال‌الدین اصفهانی از شاعران سده ششم هجری در اشعار خود به مهاجرت‌هایی که در نتیجه قحط‌های اصفهان روی داده، اشاره کرده است:

«حال جهان ز نظم بیفتاد لاجرم مردم دگر شدند و دگر گشت کاروبار
حشو عوام خود نتوان برشمرد لیک ز اهل هنر کسی نماند اندرین دیار»

(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۹۵).

مهاجرت‌ها همیشه برای به‌دست آوردن سرپناه نبود. گاهی اوقات در نتیجه خشکسالی و آفت‌هایی که پیش می‌آمد، مردم برای تأمین معاش و رفع گرسنگی، مهاجرت می‌کردند (عبدالعال، ۲۰۱۳: ۲۸۷). به عنوان نمونه در نتیجه هجوم ملخ‌ها به اصفهان در سال ۳۴۴ق و آسیب دیدن محصولات کشاورزی، مردم ناگزیر برای تأمین معاش، محل سکونت خود را به قصد مناطق آباد ترک کردند (حمزه اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۹۸/۱۴).

همان‌طور که اشاره شد اگر چه بر اثر وقوع حوادث طبیعی، بعضی از مناطق خالی از سکنه می‌شدند و ممکن بود به مرور زمان از بین روند، گاهی اوقات نیز به دنبال وقوع این

۱۰ حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول

حوادث به ویژه زلزله، پدیده‌های جغرافیایی خاصی ایجاد می‌شد. به گزارش منابع بر اثر زلزله سال ۳۴۶ق شهر ری، آب دریای خزر به اندازه ۸۰ ذراع^۴ پایین رفت و در نتیجه آن، کوه‌ها و جزیره‌های زیاد آشکار شد (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۲۰۶/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۰۹/۱).

۳.۷ آسیب‌های روحی

یکی دیگر از پیامدهای حوادث طبیعی این بود که علاوه بر آسیب‌های جسمی، مشکلات روحی و روانی ایجاد می‌شد و بنا به مستندات تاریخی، کودکان بیشتر در معرض این آسیب‌ها قرار داشتند. به عنوان نمونه رافعی قزوینی، زلزله سال ۵۱۳ق قزوین را سال‌ها بعد به نقل یکی از شیوخ کهنسال^۵ شهر که در موقع حادثه کودکی پنج یا شش ساله بوده و هنوز آن حادثه تلخ را به یاد داشته، گزارش کرده است. یکی دیگر از این قبیل افراد عمادالدین اصفهانی بود که هنگام وقوع قحط سال ۵۳۲ق اصفهان، سیزده ساله بود. او گزارش این حادثه را در کتاب *خریده‌القصر و جریده‌العصر* آورده و تأکید کرده که این مصیبت را از دوران کودکی به یاد دارد (عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۳۲/۱). از این گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بازماندگان حوادث طبیعی تا مدت‌های طولانی این حوادث تلخ را به یاد داشتند و از مشکلات روحی آن رنج می‌بردند.

۴.۷ رواج مفاسد اجتماعی

از دیگر پیامدهای حوادث طبیعی سوءاستفاده‌هایی بود که در موقع وقوع آن‌ها اتفاق می‌افتاد. از جمله این سوءاستفاده‌ها می‌توان به احتکار کالا و گرانی اجناس اشاره کرد. به عنوان نمونه وقتی در سال ۳۴۰ق اصفهان با پدیده خشکسالی مواجه شد و مردم برای تامین آذوقه خود و علوفه دام‌هایشان به سختی افتادند (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱۷۳/۶-۱۷۴) گردهای ساکن در اطراف اصفهان، از فرصت استفاده کرده و آذوقه مردم را به بهای سنگین می‌فروختند. به گفته مسکویه؛ آن‌ها خود تعیین قیمت می‌کردند و ظرف‌های آرد را با خاک پُر و روی آن را با آرد می‌پوشاندند تا سنگین شود. آن‌ها در مورد گندم و جو نیز همین روش‌ها را به کار می‌بردند (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱۷۴/۶).

بنا به گزارش‌های تاریخی، گاه در موقع بروز حوادث طبیعی برخی دولتمردان برای به دست آوردن ثروت، اموال مردم را مصادره می‌کردند مانند قحط سال ۵۳۲ق اصفهان که امیران سلجوقی، هر آنچه از اموال مردم می‌یافتند، با خود می‌بردند. آن‌ها حتی محصولات کشاورزی مردم را پیش از فصل، برداشت کرده و به چهارپایان می‌دادند و افرادی را که از دستور آن‌ها سرپیچی می‌کردند، به قتل می‌رساندند (نورصادقی، ۱۳۱۶: ۱۵). بعید نیست که خود دولتمردان نیز در احتکار مواد غذایی نقش داشته باشند. علاوه بر احتکار، چپاول اموال مردم آسیب دیده نیز از دیگر سوءاستفاده‌ها بود. به عنوان نمونه در سال ۳۴۴ق وبایی شدید در ری روی داد که تعداد کشته شده‌های آن را غیر قابل شمارش دانسته‌اند (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱۹۹/۶). به دنبال این واقعه، قبایل گُردی که خارج از شهرها سکونت داشتند، از وضعیت موجود سوءاستفاده کرده و با حمله به کاروان حاجیان در اطراف ساوه، اموال آن‌ها را به غارت بردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵۱۲/۸). همین‌طور در وبای سال ۴۴۸ق شهرهای جبال و دیگر مناطق از جمله مکه، حجاز، دیاربکر و خراسان، راه‌ها ناامن شد و راهزنان موجب ترس و وحشت مردم شدند، به طوری که آن‌ها مجبور بودند اموال خود را با نگهبان جابجا کنند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵/۱۶).

۵.۷ بسته شدن راه‌ها و اختلال در فعالیت‌های اجتماعی

یکی دیگر از پیامدهایی که حوادث طبیعی به جا می‌گذاشت، بسته شدن راه‌ها و بازماندن مردم از انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بود. به عنوان نمونه برف سنگین سال ۵۲۲ق در اصفهان، چنان شدت داشت که راه‌ها بسته شد و مردم در تنگنا قرار گرفتند و به اصطلاح خانه‌نشین شدند (عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۷۰/۹). کمال‌الدین اصفهانی (د. ۶۳۵ ق) نیز در شعری که در وصف سرمای اصفهان در قرن ششم هجری سروده، به خانه‌نشین شدن مردم بر اثر وقوع برف و سرما اشاره کرده است:

«اینت سردی که این زمستان کرد که همه کار ما پریشان کرد
تاختن کرد لشکر بهمین خانه بر خلق همچو زندان کرد»

(کمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۴۸: ج ۶۴۳/۹).

همین‌طور برف سنگین سال ۳۳۲ق اصفهان که در ایام نوروز با بستن راه‌ها، مانع رفت‌وآمد مردم برای انجام کارهای روزمره و عمل دیدوبازدید عید شد (حمزه اصفهانی،

بی تا: ۱۴۷). بلیه سیل نیز در این فرایند بی تأثیر نبود؛ به گزارش منابع در سال ۳۷۸ق در شهرهای ایالت جبال سیل شدیدی جاری گشت که نهرها و چاهها پر از آب و قناتها پر از گل و لای و سنگ شد. این سیل خانهها را خراب و راهها را قطع کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۶۰/۹). علاوه بر سیل، حوادث طبیعی دیگر از جمله قحط، خشکسالی و وبا نیز در امر رفت و آمد مردم اختلال ایجاد می کرد حتی در ابعاد وسیعتر مثل بازماندن کاروانهای حج از حرکت. به این ترتیب که این بلایا از یک طرف مسبب ناامنی و غارت می شد و از طرف دیگر مردم هم به لحاظ اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار می گرفتند و توانایی مالی رفتن به حج را از دست می دادند. به عنوان نمونه در قحط و وبای سال ۴۴۸ق ایالت جبال، به دنبال ناامنی راهها، هیچ گزارشی از سفر حج ذکر نشده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۶۳۱/۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵: ج ۵/۱۶) که این نمی توانست بی ارتباط با وقوع حوادث این سال باشد. همین طور در خشکسالی و وبای سال ۴۲۳ق شهرهای جبال مثل ری و اصفهان، گزارشی از سفر مردم این دو شهر به حج در این سال ثبت نشده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۳۴/۱۲).

۶.۷ تخریب ساختمانها

از دیگر پیامدهای حوادث طبیعی، آسیب دیدن ساختمان شهرها به ویژه بناهای بزرگ بوده است. مستندات تاریخی که در ذیل به آنها اشاره می شود، دال بر این ادعاست: در سال ۵۷۱ق زلزله ای شدید مناطق غربی ایران از مرز عراق تا آن سوی ری را لرزاند که بیشترین آسیبها به شهرهای ری و قزوین وارد شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۴۳۳/۱۱). دکتر کریمان از پژوهشگران معاصر متذکر شده، گنبد مرداویج زیاری که از ساختمانهای بزرگ شهر ری بوده و احتمالاً بر روی یک تپه قرار داشته، ممکن است در اثر زلزله این سال آسیب دیده باشد (کریمان، ۱۳۵۰: ج ۸۸/۱). از دیگر ساختمانهای آسیب دیده ۱. تخریب بنای اداره حکومتی شهر همدان بر اثر زلزله سال ۳۴۵ق (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵۱۸/۸؛ سیوطی، ۱۳۹۱: ۲۹). همچنین دو برج از قلعه شهر نیز بر اثر زلزله ای که در سال ۴۸۰ق در این شهر و مناطق همجوار آن روی داد و به مدت هفت روز پس لرزه داشت، فرو ریخت (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۲۷۰/۱۶). ۲. مسجد ابوحنیفه قزوین در زلزله سال ۵۱۳ق تخریب گشت (رافعی قزوینی، ۱۴۸۰: ج ۵۰/۱؛ سیوطی، ۱۳۹۱: ۳۷). ۳. دژ و قلعه های حلوان به همراه رباط بهروزی^۱ آن در اثر زلزله شدید حلوان، در سال ۵۴۴ق

ویران شد. گفته‌اند قدرت این زلزله به حدی بود که خانه‌های نزدیک به کوه نیز آسیب دیدند (سبط بن جوزی، ۱۳۷۰: ج ۱/۲۰۱). ۴. مناره‌های ساوه که بر اثر وزش طوفان سال ۵۶۱ ق سر مناره‌ها فرو ریخت (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۷۲/۱۷).

۷.۷ سوء تغذیه

یکی دیگر از آثار حوادث و بلایای طبیعی سوء تغذیه است که پس از بروز قحط و خشکسالی‌های بسیار، شایع می‌شود. به این ترتیب که مردم در نتیجه بروز قحط و خشکسالی و حتی دیگر بلایای طبیعی مجبور به خوردن گیاهان، مردار حیوانات و گوشت افراد مرده می‌شدند. در نتیجه، خیلی از مرگ‌ومیرها که به علت بروز حوادث طبیعی روی می‌داد، می‌توانست از یک طرف نتیجه مستقیم خود بلا و از طرف دیگر در نتیجه آثار آن مانند گرسنگی و کمبود مواد غذایی باشد. به عنوان نمونه در قحط و خشکسالی ری در سال ۲۸۱ ق علاوه بر افزایش قیمت‌ها، گزارش شده که این قحط تا حدی شدت داشت که مردم هم‌دیگر را می‌خوردند و از خوردن فرزندان خود ابایی نداشتند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۳۹/۱۲). همین‌طور در سال ۴۹۴ ق در ری و اطراف آن قحط شدیدی روی داد و مردم حیواناتی از قبیل سگ می‌خوردند (ابن جوزی، ۱۴۲۸: ۲۸۳). حکیم سنایی نیز در اشعار خود شدت این قحط را وصف کرده است:

«قحطی افتاد وقتی اندر ری	دور از این شهر و ز نواحی ری
آن‌چنان سخت شد بر ایشان کار	کادمی شد چو گرگ مردم خوار
کرد هر مادری همی گریان	خُرد فرزند خویش را بریان
کرده بر خویشان، طباخ امیر	خون همشیره را حلال چو شیر
اندر آن شهر چشم سر کم دید	سگ مرده که مردم آن نخرید»

(سنایی، بی تا: ۶۷۴).

جمال‌الدین اصفهانی از شاعران سده ششم هجری، در ابیاتی از اشعار خود به خوردن فرزندان، مردار و گوشت حیوانات مرده در هنگام وقوع قحط‌های اصفهان اشاره کرده است:

«قومی ز تیغ گرسنگی از وجود سیر	قومی ز ضعف تشنه به خون گشته تیغ‌وار
وانکس که از تنعم حلوا نخورد و مرغ	مردار خوار گشت و چو مردار گشت خوار

فرزند همچو سگ شده مادر گزای و شوخ مادر چو گربه گشته جگرخای و بچه‌خوار
 آن از پی گیاهی با خر به گفتگوی و این بهر استخوانی با سگ به کارزار
 این خون همی مکید ز پستان به جای شیر و آن همچنان که خرما خائید نوک خار»
 (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۹۵).

به دنبال این قحط و خشکسالی‌ها و روی آوردن مردم به خوردن هر آنچه بتوانند زنده بمانند، به مرور زمان بدن افراد با کمبود پروتئین‌هایی که برای مقاوم‌سازی جسم در برابر بیماری‌ها لازم بود، روبرو می‌شد. بدین‌گونه وقوع حوادث طبیعی باعث سوءتغذیه و ضعف اجسام شده و در نتیجه زمینه‌ساز ابتلا به انواع بیماری‌ها بوده است (عبدالعال، ۲۰۱۳: ۲۸۹).
 به عنوان نمونه در سال ۵۴۴ق زلزله شدیدی در حلوان روی داد. در نتیجه این حادثه، مردم به بیماری‌های شایعی مانند برسام (pleurisy)^۷ و سرسام (encephalitis)^۸ مبتلا شدند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۷۲/۱۸).

علت دیگری که ممکن بود بر اثر آن به بیماری طاعون و وبا مبتلا شوند، وجود طاعون و وبا در حیوانات بود. مردم از طریق استفاده از گوشت حیوانات بیمار به‌ویژه حیوانات مرده در هنگام وقوع قحط و غلا، به این بیماری‌ها مبتلا می‌شدند. در اشعار حکیم سنایی و جمال‌الدین اصفهانی در متن، به خوردن حیوانات مرده اشاره شده است.

برتولد اشپولر در پژوهشی که درباره تغذیه ایرانیان در قرون نخستین اسلام انجام داده، اشاره کرده است که استفاده از گوشت سگ، گربه، شتر و قاطر محدود به قحط‌های شدید بود. خوک به هیچ عنوان مصرف نمی‌شد و منابع تاریخی نیز به این مورد اشاره‌ای نکرده‌اند (اشپولر، ۱۳۷۳: ج ۴۰۲/۲).

آلودگی آب‌وهوای ری نیز علت اصلی شیوع بیماری‌های این شهر گزارش شده و خاقانی شروانی اشعاری در مذمت آب‌وهوای وباخیز ری سروده است:

«خاک سیاه بر سر آب و هوای ری دور از مجاوران مکارم نمای ری
 از خاص و عام ری همه انصاف دیده‌ام من جور من است ز آب و گل جان‌گزای ری
 دیدم سحرگهی ملک الموت را که پای بی کفش می‌گریخت ز دست وبای ری
 گفتم تو نیز چو ری دست برگشا بو یحیی ضعیف چه باشد به پای ری»
 (خاقانی، ۱۳۳۶: ۴۰۴).

۸.۷ آلودگی محیط زیست

براساس مستندات تاریخی از دیگر نتایجی که بلایای طبیعی به جا می‌گذاشت، آلودگی محیط زندگی مردم بود. به این ترتیب که زلزله با فعال کردن کوه‌های آتشفشانی و آسیب رساندن به آب‌های زیرزمینی از قبیل چاه، چشمه و قنات نقشی مهم در این امر داشته است. متقابلاً فعالیت‌های آتشفشان‌ها نیز آثار زیانبار وسیعی بر روی زمین و محیط زندگی انسان به جا می‌گذاشت. به عنوان نمونه بر اثر زلزله شدید سال ۳۴۶ قری و دیگر نواحی که دامنه آن به حلوان، قم و عراق رسیده بود (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۲۰۶/۶؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۰۹/۱۴؛ جابری انصاری، ۱۳۲۲: ۲۴۷) آتش‌گرفتگی در سطح زمین روی داد و دودهای سیاه رنگی در هوا پخش شد (سیوطی، ۱۳۹۱: ۳۰). از آنجا که غبار و دودهای حاصل از فوران آتشفشان با ورود به سطح زمین، مانع تابش نور خورشید می‌شوند و تغییرات مهمی را در شرایط اقلیمی سطح زمین و فعالیت‌های مربوط به کشاورزی ایجاد می‌کنند (سلطانی، محمود، ۱۳۷۱: ۱۰۶)، به نظر می‌رسد فعال شدن کوه آتشفشان بر اثر زلزله این سال، باعث آلودگی محیط زندگی مردم شده باشد. اعتمادالسلطنه بیماری‌های حلقی و مرگ‌های ناگهانی بغداد را ناشی از دودهای سیاه رنگ و آب‌های متعفن این زلزله دانسته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۳۴۶/۱).

همین‌طور بر اثر زلزله سال ۳۴۷ قری حلوان و دیگر مناطق جبال، علاوه بر کشتار فراوان و تخریب قلعه‌های زیاد، آب‌های زیرزمینی منطقه زاگرس نیز آسیب دیدند و مردم به انواع بیماری‌ها مبتلا شدند (امبرسز و ملویل (embersez & melvill)، ۱۳۷۰: ج ۱۱۹/۱). بلیه سیل نیز در آلودگی محیط زیست نقش داشته است؛ وقوع سیل سال ۳۷۸ قری ایالت جبال باعث تخریب قنات‌های برخی مناطق جبال شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۶۰/۹).

۸. پیامدهای اقتصادی

مسئله اقتصاد و امور اقتصادی برای حکومت‌ها اهمیت زیاد داشت؛ زیرا استقلال یک حکومت، قدرت دفاعی آن در برابر حکومت‌های دیگر، ثبات سیاسی و توان رویارویی آن در برابر حوادث طبیعی، به نحوه برخورد یک حکومت با مشکلات اقتصادی بستگی داشت. وقوع حوادث طبیعی با تحمیل هزینه‌های سنگین و ایجاد رکود در بخش‌های اقتصادی، به اقتصاد حکومت‌ها لطمه می‌زد و خسارات جبران‌ناپذیری برای آن‌ها به بار می‌آورد.

۱۸ افزایش قیمت‌ها

یکی از بارزترین پیامدهای حوادث طبیعی در زمینه اقتصاد، افزایش قیمت و نایاب شدن کالاها بود. هرچه حوادث طبیعی شدیدتر می‌شد، افزایش قیمت و نایاب شدن کالاها بیشتر مشاهده می‌شد. براساس مستندات تاریخی، بیشترین افزایش قیمت در تهیه آب، نان و خرید گندم اتفاق می‌افتاد و گزارش شده که به چند برابر قیمت مخصوصاً در زمان قحط فروخته می‌شد. به عنوان مثال در خشکسالی سال‌های ۱۹۴ق و ۲۸۱ق ری، گزارش از افزایش قیمت‌ها به‌ویژه افزایش قیمت آب شده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۴۶۵/۷). پس از وقوع سیل شدید ۳۷۸ق ایالت جبال، مردم با افزایش قیمت نان روبرو شدند (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ج ۳۲۹/۱۴). در قحط سال ۴۴۲ق اصفهان، قیمت گندم به بالاترین حد رسیده بود (قبادیانی، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

جمال‌الدین اصفهانی در اشعاری که در زمینه قحط‌های اصفهان سروده، به گران شدن گندم، کمیاب شدن نان و بالا رفتن قیمت آن اشاره کرده است:

«ادرار رزق خلق قلم بر نهاده قحط	مجری نمانده اجری یک شخص از هزار
نان چو مخدرات نهفته ز خلق روی	گندم خلیفه‌وار گران‌قدر و تنگبار
نان شد به نرخ شیرین لیکن به طعم تلخ	هم قرص منکسف شد و هم گرده کم عیار
نان ناپدید گشته چو آب حیات و خلق	هچو سکندر از پی او گشته جان‌سپار»

(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۹۵).

حکیم زجاجی از شاعران سده هفتم هجری نیز قحط اصفهان طی سال‌های ۵۲۹-۵۳۲ق و به دنبال آن گرانی و کمیاب شدن نان را این‌گونه سروده است:

«در آن سال‌ها بود قحطی عظیم	برابر در آن دور، بُد قاز و سیم
چه مایه به هر جای مردم بمرد	به نان گفتن اندر همی جان سپرد»

(زجاجی، ۱۳۸۳: ج ۹۰۷/۲).

۲۸ از بین رفتن سرمایه‌های اقتصادی

زندگی مردم این دوره، بیشتر با دامداری و کشاورزی پیوند می‌خورد و حیواناتی مانند گاو و گوسفند و محصولات کشاورزی از بارزش‌ترین سرمایه‌های اقتصادی آن‌ها برای

گذران زندگی محسوب می‌شد. حوادث طبیعی زیادی که در ایالت جبال روی داده آسیب‌های فراوانی را به این حوزه وارد کرده است، به طوری که مردم مکرر با از بین رفتن منابع درآمد خود، در تنگنای اقتصادی قرار می‌گرفتند و این، عامل بروز مشکلاتی چون مهاجرت، دزدی، غارت و گران‌فروشی می‌شد. به عنوان نمونه در سال ۵۷۳ق در شهرهای اصفهان و همدان طوفان شدیدی وزید و تعداد زیادی از گاو و گوسفندان مردم تلف شد (حموی، ۱۹۶۰: ۸۴). طوفان سال ۲۹۱ق اصفهان نیز محصولات کشاورزی را که پیش از فصل برداشت رسیده بودند، از بین برد و به گل‌های سنبل نیز آسیب زیاد رساند (حمزه اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۷). همین‌طور طوفان سال ۲۳۲ق همدان که به مدت ۲۰ روز ادامه داشت و خسارت‌های مالی زیادی بر ساکنان شهر وارد کرد (حمزه اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۵؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ج ۲۰۹/۱۱).

علاوه بر طوفان، بلیه برف و سرما به همراه آفت ملخ از جمله بلاهای آسیب‌رسان در این حوزه بودند: در سال ۳۳۲ق در برف و سرمای شدید اصفهان و دیگر شهرهای جبال، درختان به همراه میوه‌های آنها آسیب دیدند و مردم، این سال را بدون میوه سپری کردند (حمزه اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۷). در سال ۳۴۴ق نیز هجوم فراوان ملخ‌ها به روستای تیمر اصفهان، به میوه‌ها و محصولات کشاورزی چنان آسیب رساند که مردم را از تهیه غلات آن سال ناامید کرد (حمزه اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۸).

۹. پیامدهای سیاسی

حوادث و بلاهای طبیعی در طول تاریخ در شکست و پیروزی نظامیان و تغییر حاکمان نقش مؤثری داشت. نظامیان و فرمانروایان رقیب، گاه از فرصت‌هایی که به دنبال وقوع این‌گونه حوادث پدید می‌آمد، برای دست یافتن به اهداف سیاسی - نظامی استفاده می‌کردند.

۱.۹ ضعف و آشفتگی اوضاع حکومت‌ها

بروز حوادث طبیعی یکی از عوامل تضعیف و ایجاد اوضاع نابسامان برای حکومت‌هاست. در طول تاریخ مشاهده شده چنانچه حکومت‌ها از بنیه اقتصادی ضعیفی برخوردار بودند، در موقع بروز حوادث طبیعی، توان مقابله با آن را نداشتند و این امر به شکست یا انقراض

آن‌ها منجر می‌شد. همچنین این شرایط دستاویزی بود تا دشمنان آن‌ها از فرصت پیش آمده برای ضربه زدن بیشتر استفاده کنند. به عنوان نمونه در سال ۳۴۴ق که مقارن با حکومت سامانیان در ایران بود، بیماری وبا در شهر ری شیوع یافت. این حادثه به حدی عمیق بود که تعداد کشته‌های آن قابل شمارش نبود (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۱۹۹/۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵۱۲/۸). ابوعلی بن‌محتاج سردار سامانی که امیر لشکرهای خراسان بود، به همراه پسرش در وبای این سال مردند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۵۱۲/۸)، اشیپولر در بررسی عوامل ضعف سامانیان در قرن چهارم هجری (از قبیل افزایش قدرت آل‌بویه، امتناع از پرداخت خراج و غیره)، یکی از علت‌های عمده ضعف سامانیان را شیوع بیماری وبا در قلمرو حکومتی آن‌ها و ناتوانی دولت در مقابله با آن دانسته است (اشپولر، ۱۳۷۳: ج ۱۷۶/۱). علاوه بر آنچه گفته شد، در نتیجه ضعف و آشفتگی اوضاع حکومت‌ها، سوءاستفاده‌های زیادی از وضعیتی که به دنبال وقوع بلای طبیعی روی داده بود، می‌شد. مثلاً پس از وبایی که در سال ۴۲۳ق در اصفهان شایع شد، مسعود بن محمود غزنوی به اصفهان رفت و بسیاری از مردم شهر و حتی افرادی را که در مسجد بودند، به قتل رساند (نفیسی، ۱۳۴۲: ج ۹۷۸/۲). نمونه دیگر این‌که به دنبال آشفتگی اوضاع سیاسی اصفهان که بر اثر قحط سال ۵۳۲ق به وجود آمد، راشد خلیفه عباسی مردم اصفهان را محاصره کرد و قحط را به نهایت رساند تا جائی که مردم از شدت گرانی و قحط، یکدیگر را می‌خوردند (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۶). علاوه بر خلیفه عباسی، امراء سلجوقی نیز عامل دو آفت وبا و گرانی شدند و از خشک و تر هر چه یافتند، خوردند و افراد بی‌نیاز را فقیرتر کردند (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۱۸). داوود بن محمود سلجوقی دهات را ویران و دروازه‌های شهر را قفل کرد تا مردم راه فرار نداشته باشند و در نتیجه او بتواند به راحتی به مقاصد سیاسی خود دست یابد. نهایت این آشفتگی بدان‌جا رسید که اسماعیلیان از فرصت استفاده کرده و راشد خلیفه عباسی را به قتل رساندند (عمادالدین اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۳۲/۱).

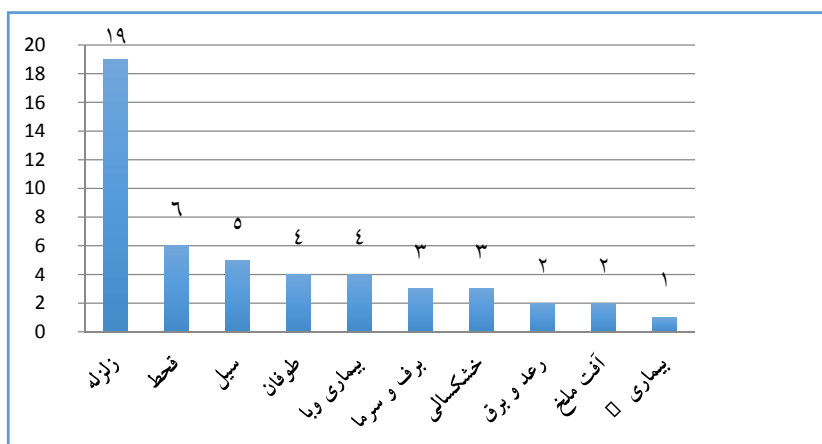
۱۰. نتیجه‌گیری

وقوع حوادث و بلایای طبیعی در هفت سده اول هجری در ایالت جبال خسارت‌های زیادی را به شهرها و روستاهای آن وارد کرد. از میان حوادث طبیعی، زلزله با بیشترین دفعات وقوع، آسیب زیادی را به بناهای مسکونی رسانده است. بیشترین مرگ‌ومیرها و مهاجرت‌ها که کاهش جمعیت را به همراه داشتند، بر اثر وقوع زلزله روی داده است. پس از

زلزله، خشکسالی و قحط‌های مکرری که روی می‌داد و گاهی اوقات چندین سال طول می‌کشید، خسارت‌های زیادی را به این ایالت وارد کرده است.

برف و سرمای شدید و طولانی نیز موجب نابودی محصولات کشاورزی می‌شد. از آنجا که در این دوره زمانی، زندگی مردم با کشاورزی و دامداری پیوند می‌خورد، با ازبین رفتن محصولات کشاورزی، قیمت‌ها بی‌نهایت افزایش می‌یافت و حتی به احتکار، کم‌فروشی و نایاب شدن اجناس می‌انجامید. سیل نیز گاهی اوقات با خراب کردن قنات‌ها، مسدود کردن راه‌ها و تخریب بناها همراه بود.

بلیه سیل و سرما به همراه طوفان بیشترین آسیب را به بخش اقتصادی وارد می‌کردند. آثار باستانی نیز در نتیجه وقوع حوادث طبیعی آسیب می‌دیدند یا با تخریب‌های اولیه ناشی از حوادث به مرور زمان از بین می‌رفتند و خسارات و هزینه‌های سنگینی از این طریق به بخش فرهنگی وارد می‌شد. گاهی اوقات وقوع حوادث طبیعی، در روند فعالیت‌های سیاسی نیز آثار نمایان به جا می‌گذاشت و علت تامه ضعف، شکست یا پیروزی حکومت‌ها به شمار می‌رفت.



نمودار ۱. حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال در هفت قرن نخست اسلام

پی‌نوشت‌ها

۱. شرح گزارش شاردن از این زلزله مشابه گزارش‌های مورخان از زلزله ۵۱۳ق در قزوین است. احتمال دارد که این همان زلزله سال ۵۱۳ق قزوین بوده و نویسنده دچار اشتباه شده باشد.
۲. منابع متقدم به این زلزله اشاره نکردند و مشخص نیست که شاردن این گزارش تاریخی را از چه سندی گرفته است. با توجه به تشابه جزئیات حادثه، احتمالاً این همان زلزله سال ۵۷۲ق ری باشد که دامنه آن به قزوین هم سرایت کرد و شاردن با اختلاف در ذکر سال آن را از ابن‌جوزی گزارش می‌کند.
۳. یحیی بن معاذ الواعظ؛ یکی از رجال طریقت بود که در سال ۲۵۸ق در نیشابور درگذشت. (ابن-خلکان، ۱۹۰۰: ج ۱۶۵-۱۶۷).
۴. یکی از مقیاس‌های طول که اندازه آن، فاصله آرنج تا نوک انگشتان وسطی یک مرد متوسط‌القامه به میزان ۶۶/۵ سانتی‌متر، بوده است (دیانت، ۱۳۶۷: ۲۲۳).
۵. الوزیرین بینمان بن علی المعلمی القزوینی (رافعی قزوینی، ۱۴۸۰: ج ۱۹۷/۴).
۶. جای رباط را به گونه‌ای دقیق نمی‌توان تعیین کرد اما ممکن است یکی از کاروانسراهای میان-راهی خراسان بوده باشد. همین‌طور احتمال دارد که این منزل به نام مجاهدالدین بهروز (د. ۵۴۰ ق.) در تکریت در شمال عراق باشد که در نیمه نخست سده ششم هجری از قدرت زیاد در عراق برخوردار بوده است. (امبرسز و ملویل، تاریخ زمین لرزه‌های ایران، ۱۳۷۰: ۴۹۰).
۷. برسام؛ بیماری ذات الجنب (سینه پهلو) است (سندسی و ارتجائی، ۱۳۸۰: ج ۱/۲۸۴).
۸. سرسام؛ بیماری التهاب مغز (سندسی و ارتجائی، ۱۳۸۰: ج ۱/۲۸۴) و عامل عفونت ویروس است (وینگیت، ۱۳۸۶: ۲۴۲-۲۴۱).

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- ابن تغری بردی، یوسف (بی تا). *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، مصر: وزارة الثقافة والارشاد القومي.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق). *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۸ق). *شدور العقود فی تاریخ العهود*، تحقیق و تصحیح ابوهیثم شهبائی و احمد عبدالکریم نجیب، بی‌جا: مرکز نجیبویه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۰۰م). *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارصادر.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق). *البدایة والنهایة*، بیروت: دارالفکر.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۷۷). *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه نورالله کسای، تهران: سروش.
- اسفزاری، ابوحاتم مظفر (۱۳۵۶). *رساله آثار علوی*، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، بی جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران: علمی فرهنگی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (بی تا). *المسالك والممالك*، قاهره: طبع هیئة العامة لقصور الثقافة.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۳). *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- امبرسز، ن. ن و ملویل، ج. پ (۱۳۷۰). *تاریخ زمین لرزه های ایران*، ترجمه ابوالحسن رده، تهران: آگاه.
- بنداری، فتح بن علی (۱۳۵۶). *تاریخ سلسله سلجوقی: زبده النصره و نخبه العصرة*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جابری انصاری، محمد حسن (۱۳۲۲). *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، اصفهان: حسین عمادزاده.
- جمال الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۲۰). *دیوان*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: ارمغان.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۷۶). *تقویم التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، بی جا: احیاء کتاب.
- حسنی رازی، مرتضی بن داعی (۱۳۱۳). *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، تصحیح عباس اقبال، تهران: مطبعه مجلس.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن (بی تا). *تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء*، بیروت: دارالمکتبة الحیة.
- حموی بغدادی، یاقوت (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*، بیروت: دارصادر.
- حموی، محمد بن علی (۱۹۶۰م). *التاریخ المنصوری: تلخیص الکشف البیان فی حوادث الزمان*، مسکو: دارالنشر للآداب الشرقیة.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۳۶). *دیوان*، تهران: امیرکبیر.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها*، تبریز: نیما.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۸۰ق). *التدوین فی اخبار قزوین*، تحقیق عزیزالله عطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴). *راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- زجاجی، حکیم (۱۳۸۳). *همایون نامه*، تصحیح علی پیرنیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- زهرایی، مهدی؛ وطنی اسکویی، اصغر (۱۳۸۳). *بررسی آسیب پذیری لرزه ای ساختمان های شهر قزوین*، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مرکز.

۲۲ حوادث و بلاایای طبیعی ایالت جبال؛ از ظهور اسلام تا حمله مغول

- سبطین جوزی، یوسف بن قراوغلی (۱۳۷۰). *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، حیدرآباد دکن: مطبعه مجلس دائرة- المعارف العثمانی.
- سلطانی، محمود (۱۳۷۱). «محیط زیست و زیان‌های زمین‌شناختی آن»، خلاصه مقالات *اولین کنفرانس بین‌المللی بلاایای طبیعی در مناطق شهری (بخش زلزله)*، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۲۱ الی ۲۳ اردیبهشت.
- سنایی، مجدودبن آدم (بی‌تا). *حدیقة الحقیقه و طریقه الشریعه*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، بی‌جا: سپهر.
- سندسی، مریم؛ ارتجائی، سوسن (۱۳۸۰). *توصیف‌گرهای پزشکی*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۹۱ق). *کشف الصلصلة عن وصف الزلزلة*، تحقیق دکتر عبدالطیف سعدانی، مقدمه محمد فاسی، فاس: مطبعه محمدالخامس الثقافية والجامعية.
- سیوطی، جلال‌الدین، تاریخ‌الخلفاء، تحقیق حمدی‌الدمراش، بی‌جا، مکتبه نزار مصطفی‌الباز، ۱۴۲۵ق.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالتراث.
- عبدالعال، طه‌حسین (۲۰۱۳م). *الکوارث الطبيعية فی بلاد العراق و فارس فی العصرین البویهی و السلجوقی*، قاهره: دارالآفاق العربية.
- عمادالدین اصفهانی، محمدبن محمد (۱۳۷۵ق). *خریفة القصر و جریفة العصر*، تحقیق محمد بهجة‌الاشری و جمیل سعید، بغداد: مطبوعات الجمع‌العلمی العراقي.
- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۱). *سفرنامه*، تهران: زوار.
- قرطبی، عرب‌بن سعد (۱۳۸۷). *صلة تاریخ الطبری*، بیروت: دارالتراث.
- قمی، حسن‌بن محمد (۱۳۶۱). *تاریخ قم*، ترجمه حسن‌بن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
- قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۴۴). *دیوان*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی أرموی، تهران: سپهر.
- کریمان، حسین (۱۳۵۰). *برخی از آثار باز مانده از ری قدیم*، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- کمال‌الدین اصفهانی، اسماعیل‌بن محمد (۱۳۴۸). *دیوان*، تهران: دهخدا.
- گلریز، محمدعلی (۱۳۷۷). *مینودر (باب‌الجنه فزوزین)*، تهران: دانشگاه تهران.
- لسترنج، گای (۱۳۶۴). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن. ک. س (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نی.
- مسکویه، ابوعلی احمدبن محمد (۱۳۷۶). *تجارب‌الامم*، تحقیق علی‌نقی منزوی، تهران: توس.
- معظمی‌گودرزی، خسرو (۱۳۵۱). *لرزه‌شناسی*، تهران: فرانکلین.

نفیسی، سعید (۱۳۴۲). *در پیرامون تاریخ بیهوشی*، تهران: فروغی.

نورصادقی، حسین (۱۳۱۶). *اصفهان*، تهران: سعادت.

نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). *سلاجوقنامه*، تهران: خاور.

وینگیت، پیتر (۱۳۷۳). *دانشنامه پزشکی*، ترجمه سیمین معزی متین، تهران: مرکز.